

رؤیای حقوق‌بشر



مصطفی محمدجواد غلیپور

به مناسبت روز حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی، برخی از این واژه‌های مقدس را که در زمانه حاضر کم‌رنگ شده‌اند، بررسی خواهیم کرد. آیات متعددی در قرآن کریم وجود دارند که به حقوق بشر اشاره می‌کنند. از مهم‌ترین آن‌ها آیه ۳۲ سوره مائده است که به اهمیت حفظ جان انسان و حرمت قتل اشاره می‌کند و آیه ۷۰ سوره اسراء که بر کرامت ذاتی انسان تأکید می‌کند. همچنین آیات دیگری در قرآن به حق حیات، آزادی، مالکیت و عدالت اشاره می‌کنندکه همگی از ارکان حقوق بشر هستند. حقوق بشر و کرامت انسانی از اساسی‌ترین مفاهیمی هستند که در طول تاریخ بشریت شکل گرفته و توسعه یافته‌اند. در قرن بیستم با تأسیس سازمان ملل متحد و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، این حقوق به‌صورت رسمی به رسمیت شناخته شد. این اعلامیه که درپی فجایع جنگ جهانی دوم تدوین شد، حقوق بنیادینی همچون حق حیات، آزادی، امنیت، برابری و دسترسی به عدالت را برای تمامی انسان‌ها بدون توجه به نژاد، مذهب یا جنسیت تضمین می‌کند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر با سی ماده، چارچوبی جامع برای حمایت از حقوق اساسی بشر ارائه می‌دهد. از مهم‌ترین اصول این اعلامیه، می‌توان به حق حیات و ممنوعیت شکنجه، برابری در برابر قانون، حق دادرسی عادلانه، آزادی بیان و عقیده و همچنین حق آموزش و تأمین اجتماعی اشاره کرد. با این حال، متأسفانه شاهد هستیم که این اصول در بسیاری از نقاط جهان ازجمله در غزه به‌صورت سیستماتیک نقض می‌شوند.

درکنار اعلامیه جهانی، اسناد دیگری مانند اعلامیه حقوق بشر اسلامی که در سال ۱۹۹۰ در قاهره به تصویب رسید، رویکردی دینی به حقوق بشر ارائه می‌دهد. این اعلامیه اگرچه بسیاری از اصول مشترک با اعلامیه جهانی را دربر دارد، با تفسیری مبتنی بر شریعت اسلامی همراه است که می‌تواند محدودیت‌هایی در زمینه آزادی‌های فردی و برابری جنسیتی ایجادکند. وضعیت اسفبار غزه درحال حاضر نمونه بارزی از نقض فاحش حقوق بشر است. کشتار غیرنظامیان شامل کودکان و زنان، بمباران مراکز درمانی و آموزشی، محاصره و محرومیت از دسترسی به نیازهای اولیه مانند آب، غذا و دارو، همگی نشان دهنده نقض آشکار حقوق بنیادین انسانی هستند. این اقدامات نه‌تنها حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر را زیر پا می‌گذارند، بلکه قوانین بین‌المللی بشردوستانه را نیز نقض می‌کنند. سکوت جامعه جهانی در برابر این فجایع، نشان دهنده معیارهای دوگانه در اجرای حقوق بشر است. سازمان‌های بین‌المللی ازجمله سازمان ملل متحد نتوانسته‌اند در برابر این نقض‌های گسترده حقوق بشر موضعی قاطع اتخاذ کنند، که این امر مشروعیت این نهادها را زیرسؤال برده است. چه تضمینی وجود دارد که جنایات رژیم صهیونیستی به غزه و فلسطین محدود شود و به‌زودی در سراسر منطقه گسترش نیابد؟

برای مقابله با این وضعیت، راهکارهای عملی متعددی می‌توان ارائه داد. ازجمله اعمال فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی بر ناقضان حقوق بشر، ایجاد کریدورهای امن برای ارسال کمک‌های بشردوستانه، تشکیل دادگاه‌های بین‌المللی برای محاکمه جنایتکاران و افزایش آگاهی عمومی از طریق رسانه‌ها. درنهایت باید گفت که فجایع غزه، آزمونی جدی برای وجدان نوع بشر محسوب می‌شود. اگر جامعه جهانی نتواند از ابتدایی‌ترین حقوق ساکنان غزه دفاع کند، تمام اسناد و اعلامیه‌های حقوق بشر به متونی بی‌معنا تبدیل خواهند شد. وظیفه همه ما به‌عنوان انسان، سکوت نکردن در برابر ظلم و تلاش برای تحقق عدالت است. حقوق بشر تنها زمانی معنا پیدا می‌کندکه در سخت‌ترین شرایط نیز رعایت و اجرا شود.



حقوق بشر در غزه: چالش‌ها و راه‌حل‌های پیش‌رو

وضعیت کنونی غزه، چالش‌های عمیقی را در زمینه حقوق بشر نمایان ساخته است. این بحران چندبعدی، نیازمند بررسی دقیق و ارائه راهکارهای عملی است. در ادامه به تحلیل عمیق‌ترین موضوع می‌پردازیم:

چالش‌های ساختاری:

– نظام‌های حقوقی ناکارآمد بین‌المللی که قادر به اجرای تصمیمات خود نیستند.
– نفوذ قدرت‌های بزرگ در سازمان‌های بین‌المللی و ایجاد مانع برای اقدامات قاطع.
– کمبود سازوکارهای نظارتی مستقل برای بررسی نقض حقوق بشر در مناطق بحرانی.

پیامدهای انسانی:

– نسل‌کشی آموزشی با تخریب مدارس و دانشگاه‌ها و محرومیت کودکان از تحصیل.
– بحران روانی گسترده در میان بازماندگان، به‌ویژه کودکان.
– نابودی زیرساخت‌های بهداشتی و ایجاد بحران‌های سلامت عمومی.

راهکارهای نوین:

– تشکیل دادگاه‌های ویژه بین‌المللی برای رسیدگی به جنایات جنگی.
– ایجاد سیستم‌گزارش دهی مستقل و شفاف از وضعیت حقوق بشر.
– توسعه مکانیسم‌های پاسخگویی برای ناقضان حقوق بشر.
– تقویت سازمان‌های مردمی و مردم‌نهاد‌های محلی برای نظارت و گزارش دهی.

نقش جامعه مدنی:

– بسیج افکار عمومی جهانی از طریق شبکه‌های اجتماعی.
– ایجاد کمپین‌های فشار بر دولت‌ها برای اقدام عملی.
– حمایت از رسانه‌های مستقل برای پوشش بی‌طرفانه وقایع.

چشم‌انداز آینده:

– ضرورت بازنگری در ساختار سازمان‌های بین‌المللی.
– لزوم ایجاد سازوکارهای پیشگیرانه برای بحران‌های مشابه.
– اهمیت آموزش حقوق بشر در سطح جهانی.
– تقویت دیپلماسی عمومی برای تغییر معادلات قدرت.

این بحران نشان می‌دهد که نظام بین‌المللی حقوق بشر نیازمند تحولی اساسی است. تنها با اصلاح ساختارها و ایجاد مکانیسم‌های اجرایی قوی می‌توان امید داشت که فجایع مشابه تکرار نشود. جامعه جهانی باید از مرحله شعارگذاری فراتر رفته، به اقدامات عملی و مؤثر روی آورد. هر روز تأخیر در این مسیر به معنای قربانی شدن انسان‌های بیشتری است که سزاوار زندگی با کرامت هستند.

میراث حدیثی شیعه از زمان حضور معصومین^(ع) تا به امروز فرازونشیب‌های بسیاری را پشت سرگذاشته است. در قرن نخست و در سال‌های اولیه پس از رحلت پیامبر^(ص) جریان منع تدوین حدیث، رخدادی عجیب در میان مسلمانان بود. با وجود تأکیدهای شفاف ایشان بر ثبت و ضبط احادیث، گروهی این مسیر را منحرف کردند و با تکیه بر رأی شخصی خود، مانع ثبت احادیث توسط مسلمانان شدند. اما شیعیان با رهنمودهای امامان^(ع) مسیر دیگری را پیش گرفتند. در زمان امیرالمؤمنین^(ع) فردی به نام عبید... بن رافع، دفتر حدیثی داشت و روایاتی که از امام علی^(ع) می‌شنید، در آن دفتر ثبت می‌کرد. دکتر سید حسین مدرسی طباطبایی در کتاب

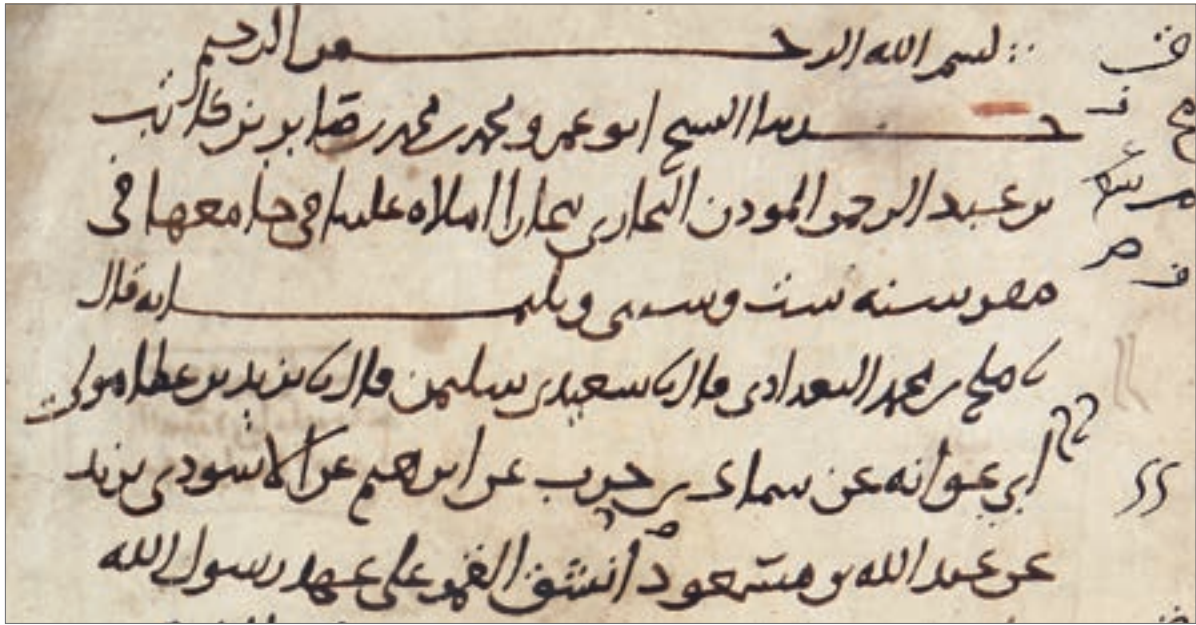
ارزشمند «میراث مکتوب شیعه»، د فاطر راویان حدیث را با تکیه بر منابع کهن شیعه معرفی کرده است. در قرن سوم، جوامع حدیثی شیعه به‌صورت رسمی شکل گرفت. محمدبن یعقوب کلینی، کتابی مهم در زمینه حدیث شیعه با نام اصول کافی در بغداد منتشر کرد. پس از او نیز شیخ صدوق و شیخ طوسی آثاری بدین سبک منتشر کردند و عالمان پس از ایشان نیز مسیر تدوین حدیث را بدین صورت ادامه دادند. یکی از مشکلات مهم ادبیات حدیثی در میان مسلمانان، رواج احادیث جعلی و خرافی در میان منابع حدیثی بود. اهل سنت به‌دلیل دستور منع تدوین حدیث در قرن نخست بیشتر دچار چنین مشکلی بودند. اما شیعیان نیز به‌دلیل مختلف با این مشکل در ادبیات حدیثی روبه‌رو شدند. عالمان در طول قرن‌های متمادی سعی می‌کردند میراث حدیثی را به‌صورتی نقادانه پالایش کنند تا سره از ناسره مشخص شود. اما هنوز هم برخی از این احادیث در میان سخنان برخی وعاظ به‌گوش می‌رسد. در این دوران مهم‌ترین وظیفه حدیث‌پژوهان، مبارزه با خرافه‌گرایی و ادبیات جعلی در میراث حدیثی است. برای آکاوی بیشتر این مسئله، با دکتر حسن انصاری، حدیث‌پژوه و عضو هیئت علمی مدرسه مطالعات تاریخی پرنیستون، گفت‌وگو کردیم. آنچه می‌خوانید، مشروح این گفت‌وگوست.

● میراث حدیثی مسلمانان در طول قرن‌ها تطورات گوناگونی را پشت‌سر گذاشته است. به نظر شما این تحولات را چگونه می‌توان با توجه به ظرف زمانی خود تقسیم‌بندی کرد؟

حدیث، سهمی مهم در منظومه اندیشه دینی ما دارد. بدون مواجهه نقادانه با حدیث هیچ‌گونه اصلاح اندیشه دینی ممکن نیست. در اسلام سلفی‌گرا جریان تدوین حدیث تحت‌تأثیر دو سازمان سیاسی و دینی رسمی و نهادی بوده است؛ یکی در آغاز اسلام که بنیان حدیث در پیوند با نهاد قدرت و برای مشروعیت در عصر اموی و البته تاندازهای نیز در آغاز عصر عباسی پایه‌ریزی شد. بیشتر این نوع احادیث به بخش مهمی از میراث حدیثی اهل سنت را شکل می‌دهد، ساخته دوران اموی و آغاز عباسی است. این احادیث در پی مشروعیت دادن به دستگاه خلافت است و می‌خواهد رفتار و اعمال آنان را در آیین سنت پیامبر^(ص) ببیند. دسته دیگری از احادیث نبوی، ساخته دوران‌های بعدی است؛ دوره‌ای که در آن محدثان، نمایندگان تفکر ضدعتزلی و جهمی بودند و تفسیر قشری و ظاهرگرا و لفظگرا از قرآن را تنها تفسیر ممکن از آموزه‌های دینی و گزاره‌های الهیاتی قرآن کریم می‌دانستند. آنان در فاصله سده‌های دوم

گفت‌وگوی شهرآرا با دکتر حسن انصاری، عضو هیئت علمی مدرسه مطالعات تاریخی پرنیستون

بازنگری میراث حدیثی از زمان اهل‌بیت (ع) آغاز شد



نقد رجالی و تاریخی حدیث گامی مهم در مقابله با احادیث غیراصیل برداشت. در میان اهل سنت خبر واحد حجیت دارد و بنابراین تنها راه ممکن برای نقد حدیث از نظر اهل سنت نقد رجالی حدیث است. به همین دلیل امامیه درکنار معتزله، راهی آسان‌تر در نقد احادیث اهل سنت در موضوعات مختلف اعتقادی داشتند، با این همه با رشدگرایش به حجیت خبر واحد در میان امامیه از سده پنجم به بعد از یک سو و بعدها با شکل‌گیری جریان اخباری‌گری، توجه دوباره به احادیث احاد در میان امامیه بیشتر گرفت و نقد حدیث به‌ویژه از سوی اخباریان کنار گذاشته شد.

جریان اصلی متأخر در مقام مقابله با جریان اخباری‌گری درست است که بر نقد حدیث پای می‌فشرد اما در چارچوب تلاش برای توسعه‌فقه اجتهادی، راهی جز قبول خبر احاد و تداوم مکتب حله در قبول حجیت خبر واحد نداشت. درست است که اصل نقد حدیث مورد قبول اصولیان و برخلاف اخباریان بود، اما قبول اجتهاد، راه را برای تنویریزه کردن قبول حجیت خبر واحد باز می‌کرد. اجتهاد در کانتکستی که فقیهان اصولی مکتب وحید بهبهانی می‌فهمیدند، به معنی قبول و توسعه دایره حجیت ظن بود و در این میان، خبر واحد و ظنون خاص حجیتش مورد قبول قرار گرفت و یکی از پایه‌های اصل قبول اجتهاد در فقه شد.

با پذیرش چنین اصلی و از آنجا که نظام‌سازی برای فقه حداکثری نیازمند وجود حدیث حداکثری است، از عصر وحید بهبهانی به این طرف، راه‌های تازه‌ای برای گسترده‌کردن دایره احادیث صحیح و حسان در فقه شیعی ایجاد شد. بدین ترتیب درکنار آنچه قبلاً به‌عنوان توسعه تبلیغات مذهبی در عصر قاجار از آن سخن گفتیم، در میان فقیهان اصولی هم نوعی گشاده‌دستی در قبول اخبار احاد و حجیت احادیث شکل گرفت و نقد حدیث با وجود گسترده‌گی تدوین آثار رجالی در سده‌های نوزدهم و بیستم به حاشیه رفت. درواقع عمدتاً ادبیات رجالی در این دوران برای توسعه دادن به دایره احادیث صحیح نوشته می‌شد تا برای نقد و تنگ کردن دایره احادیث.

خوشبختانه نقد حدیث در دوران جدید و آشنایی با شیوه‌های نقد آکادمیک و تاریخی متن‌های مقدس، راه را برای نقد حدیث و سیره باز کرد. امروز روشن‌تر شده است که فرایند شکل‌گیری ادبیات حدیثی چگونه بوده است. البته در سده نوزدهم و بخشی از سده بیستم در نقد حدیث در میان مستشرقان، نوعی زیاده‌روی بدبینانه درباره اصلت حدیث نبوی دیده شد اما در دهه اخیر، روند نقد و بحث از اصالت حدیث به حاشیه رفت. درواقع حدیث‌پژوهان، یعنی سال‌های پس از مشروطه را مورد توجه قرار داده است؛ گرچه تأکید اصلی آن بر دوره جمهوری اسلامی است. پرسش اصلی در این پژوهش این است: نویسندگان و عالمان حوزوی در ایران معاصر چه دریافته‌ای از اندیشه سیاسی اسلام دارند؟

کتاب شریعت شهر، روایتی از تحول اندیشه سیاسی در حوزه علمیه قم در دوره جمهوری اسلامی است. این کتاب نوشته رضا تاران، دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دکترای علوم سیاسی است که در پژوهشکده اندیشه دینی معاصر انجام شده و در تیرماه ۱۴۰۳ آن را منتشر کرده است.

کتاب «شریعت شهر: روایتی از تحول اندیشه سیاسی در حوزه علمیه قم»، شامل پژوهش‌های شناسایی و توصیف و دسته‌بندی ایده‌ها و اندیشه‌های سیاسی در حوزه علمیه قم در دوره حاضر است. مقصود از اندیشه سیاسی، تلاش‌های روشمند برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های سیاسی و حل مشکلات پیش‌آمده در زمینه قدرت است. در این تلاش‌ها، ممکن است از روش‌های مختلفی همچون فقه و فلسفه و کلام یا تاریخ استفاده شده باشد و به لحاظ نوشتاری نیز ممکن است نویسنده، ایده‌ای کوتاه را در قالب مقاله یا کتاب نوشته باشد. مقصود از حوزه علمیه قم، ساحت علمی آن است و وجه عینی آن در نظر نیست.

به همین دلیل، هر اندیشه یا ایده سیاسی که در حوزه علمیه قم طرح و درباره آن بحث و گفت‌وگو شده باشد، در این پژوهش جای دارد. نیز ممکن است نویسنده یا ایده‌پرداز، تحصیلات رسمی حوزوی نداشته باشد یا خود را متعلق به صنف روحانیان نداند، اما ایده او در حوزه علمیه طرح شده و

عدداً و سبلاًتاً آمیخته‌بنت‌ابی‌العباس‌الحمرائی/

و جعلت ثوابه لاینها بی‌صلح بن‌ابی‌الحسن/
الکرزبی فإذامات حمل جمیع ذلک/الی‌مشهد
الامام علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام تقبل...!
منها و غفرلها/ ولاینها و لکاتبه و لجمیع‌المؤمنین
و المؤمنات آمین رب‌العلمین».

پس از درگذشت این یانو مجموع سی جزء قرآن وی از محل سکونتش (کرز/ کاریز) به شهر مشهد انتقال یافته و بر آستان امام‌رضا^(ع) وقف شده است. در این زمان، فردی دیگر با دست‌خطی متفاوت، خط رقاق آمیخته با تحریر در آغاز تک‌تک این اجزای قرآنی، وقف‌نامه‌ای نوشته که مفاد آن مطابق با وصیت خود واقع است. متن این وقف‌نامه چنان‌که در آغاز جزوه قرآنی شماره ۳۱۱۴ در کتابخانه آستان قدس رضوی آمده، چنین است: «وقف علی‌مشهد الرضا علیه‌السلام وقفه و سبلاً/ آمیخته‌بنت‌ابی‌العباس بن‌ابی‌احمد الحمرائی/ لا یباع ولا یوهب ولا یورث الی‌آن یرث...!/ الأرض و هو خیر الوارثین/ غفر...! لها».

قرآن وقفی بانوی کاریزی

وقف قرآن از سوی بانوان شیعه و سنی در سده‌های کهن اسلامی، امری متداول بوده است که نمونه‌های متعدد آن را در کتابخانه آستان قدس رضوی می‌توان یافت. امیره بنت ابی‌العباس الحمرائی، یکی از بانوان (احتمالاً) شیعه در سده پنجم هجری است که نسخه‌ای سی پاره از قرآن به خط کوفی ایرانی را بر حرم امام‌رضا^(ع) وقف کرده است.

در سده پنجم هجری، یکی از بانوان (احتمالاً) شیعه خراسان، به نام امیره بنت ابی‌العباس بن ابی‌احمد الحمرائی، نسخه‌ای از قرآن در سی جزء را بر حرم امام‌رضا^(ع) وقف کرده است. وی در وقف‌نامه خود اظهار می‌کند که ثواب قرائت این قرآن را نخست برای فرزندش، ابوالحسین بن ابی‌الحسن الکرزبی – که احتمالاً تازه درگذشته بوده– قرار داده، اما لازم است پس از وفات واقف، بانو امیره بنت ابی‌العباس، تمام این مجموع قرآن سی جلدی به حرم امام علی بن موسی‌الرضا^(ع) منتقل شود. متن یادداشت واقف چنین است: «هذا کتاب...تعلی‌وهوثلثون

